

# حکم اعدام برای دامادی که به خواهرزنش تجاوز کرد

مهر سال 1400 دختر نوجوانی به نام سمیرا همراه پدرش به اداره آگاهی رفت و در شکایتی گفت چند روز قبل پدر و مادرش برای شرکت در یک جشن عروسی به شهرستان رفته بودند اما من و خواهر کوچکترم را به خاطر اینکه باید به مدرسه میرفتیم با خود نبردند و برای این که تنها در خانه نمانیم ما را به خانه خواهر بزرگم میترا که به تازگی ازدواج کرده، بردند.

روزنامه ایران نوشت: او در ادامه گفت: یک روز وقتی از مدرسه به خانه برگشتم متوجه شدم خواهرم خانه نیست و برای خرید بیرون رفته است. خواهر کوچکم چون خسته بود به اتاق رفت و خوابید، در همین موقع شوهرخواهرم به من نزدیک شد و بعد از دقایقی متوجه شدم قصد دارد آزارم بدهد وقتی مقاومت کردم او کتکم زد و به زور به من تعرض کرد بعد هم تهدیدم کرد که نباید در این باره با کسی حرف بزنم.

پس از اظهارات سمیرا، وی با دستور قضایی به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان این سازمان پس از معاینه شاکی، در گزارشی اعلام کردند دختر نوجوان علاوه بر آزار و اذیت مورد ضرب و شتم هم قرار گرفته و آثار آن به وضوح مشخص است. به این ترتیب نادر 30 ساله بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. وی در بازجوییها منکر اتهام تجاوز شد اما با توجه به مدارک موجود برایش کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه 11 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

## در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه پدر سمیرا به جایگاه رفت و گفت: وقتی از شهرستان برگشتم به سراغ بچه‌ها رفتیم و آنها را به خانه بردیم اما خیلی زود متوجه شدیم سمیرا حال خوبی ندارد. اوایل فکر می‌کردیم به خاطر دلتنگی و ناراحتی این‌طور شده اما وقتی دیدم مدام بهانه می‌گیرد و گریه می‌کند می‌خواستم با دختر بزرگم تماس بگیرم و بینم در زمان غیبت ما چه اتفاقی افتاده که سمیرا با اصرار از ما خواست این کار را نکنیم و همین موضوع ما را کنجکاوتر کرد و وقتی پیگیری و اصرار

کردیم بالاخره گفت چه اتفاق شومی برایش رخ داده است و حالا هم درخواست اشد مجازات را برای نادر داریم.

سپس سمیرا به جایگاه رفت و گفت: روز حادثه نادر با چاقو به سراغم آمد و مرا تسلیم خواسته شومش کرد. شوهرخواهرم باید اعدام شود.

پس از آن نادر به جایگاه رفت و گفت: سمیرا سالهاست در رشته کاراته فعالیت می‌کند. روز حادثه به خاطر رفتن به خانه دوستش با خواهرش درگیر شد، وقتی دیدم دارد همسر را می‌زند، من هم عصبانی شدم و او را زدم.

**قاضی از متهم پرسید: اما پزشکی قانونی موضوع آزار را تأیید کرده است، چه توضیحی داری؟**  
متهم جواب داد: من به زور با سمیرا وارد رابطه نشدم. خودش به این موضوع تمایل داشت.

**قاضی گفت: پس چرا شکایت کرده است؟**  
متهم گفت: بعد از عروسی ما خانواده همسر از من مبلغی پول قرض کرده بودند و چون نمی‌توانستند آن را پس بدهند فکر می‌کنم این بازی را شروع کردند تا بتوانند از زیر بار بدهی‌شان خلاص شوند و من را به دردسر بیندازند.

پس از پایان اظهارات متهم، قضات وارد شور شدند و بر اساس مدارک موجود در پرونده و گزارش پزشکی قانونی متهم را به اعدام محکوم کردند.

پس از صدور حکم، نادر به نتیجه اعتراض کرد و پرونده برای رسیدگی به دیوان عالی کشور رفت و قضات دیوان نیز پس از بررسی دقیق پرونده حکم صادره را تأیید کردند و نادر در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت.